

سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق در کسب و کار

باتوجه به ویژگیهای جالب توجه رویکرد سرمایه گذاری اخلاقی، متاسفانه تاکنون در کشورمان ادبیات مشخصی در این زمینه شکل نگرفته است...

باتوجه به ویژگیهای جالب توجه رویکرد سرمایه گذاری اخلاقی، متاسفانه تاکنون در کشورمان ادبیات مشخصی در این زمینه شکل نگرفته است.

در چند دهه اخیر سرمایه گذاری مبتنی بر اصول اخلاقی به عنوان یکی از مهمترین موضوعها در عرصه کسب و کار مطرح شده است. ریشه های این گرایش در جامعه و همچنین در میان سرمایه گذاران بسیار متفاوت است. مذهب، مسایل سیاسی و محیط زیست به عنوان مهمترین ریشه های این گرایش به شمار می آیند. هم اکنون، بیش از پنجاه موسسه فعال در زمینه سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق وجود دارد که اصول آن را تشریح می کنند، به راهنمایی و مشاوره با افراد در زمینه سرمایه گذاری در موسسات و شرکتها می پردازند و از طرف دیگر، اقداماتی نظارتی را انجام می دهند. سرمایه گذاری اخلاقی بیش از آنکه یک علم باشد، یک هنر است و متکی بر خودآگاهی و تلقی فرد از اخلاق و به ویژه اصول ثابت و قابل فهم آن برای همگان است.

باتوجه به افزایش مشارکت مردم در امور مختلف کسب و کار، ارایه الگویی برای تبیین اصول اخلاقی و ارزیابی براساس آن بسیار ضروری است. در این زمینه می توان به منابعی همچون: متون مذهبی، عرف و اصول علمی و فنی و استانداردهای مربوطه استناد کرد. به نظر می رسد که دین اسلام بانبوه توصیه های عملی در زمینه رعایت اصول اخلاقی در بین دیگر ادیان از جایگاه ممتازی برخوردار است و از این نظر، مسلمانان دارای پشتوانه ای قوی هستند و این موضوع حتی در برگزیده بسیاری از توصیه ها و الزاماتی است که تحت عنوان سرمایه گذاری اجتماعی مطرح شده است.

دلزدگی بشریت از دیدگاههای مطلق فناورانه به موضوعهای مختلف زندگی و ضرورت تلطیف زندگی در جوامع پیشرفته کنونی از عوامل گرایش با سرمایه گذاری اخلاقی به شمار می رود. می توان لجام گسیختگی و مخاطرات بالقوه و بالفعل موجود در جوامع صنعتی و آن دسته از جوامع سنتی که دچار تغییر هویت شده اند را عامل ایجاد این گرایش به شمار آورد سمت و سوی فعالان مذهبی در تحریم نوشابه های الکلی، مخالفت با سقط جنین و آزمایش دارو بر روی حیوانات آزمایشگاهی از دهه ۷۰ به حساسیت بیشتر پیروان در سرمایه گذاری و پشتیبانی مالی از شرکتهای مربوط منجر شد. همچنین، مخالفت مردم آمریکا با جنگ ویتنام را می توان به عنوان یکی از خاستگاههای اساسی در گرایش مردم به عدم سرمایه گذاری در صنایع مخرب و غیرانسانی برشمرد. از طرف دیگر، در دو دهه گذشته به این سو، فعالیتهای طرفداران محیط زیست و به ویژه سبزها در مبارزه با محصولات مخرب محیط زیست و از جمله د.د.ت. افق جدیدی را در عرصه سرمایه گذاری گشوده است.

در کشور ما به لحاظ بهره مندی از فرهنگ اسلامی و همچنین، آموزه های فرهنگ سنتی و اسلامی اخلاق و رعایت اصول اخلاقی همواره از جایگاه ارزنده ای در زندگی و کسب و کار مردم برخوردار بوده است. از یک طرف، خداوند در قرآن کریم، هدف از رسالت پیامبر را تبیین و تشریح مکارم اخلاقی بر می شمرد و از طرف دیگر، آیین ایرانیان همواره بر محور اخلاق و رعایت اصول آن استوار بوده است.

رعایت اصول اخلاقی در کسب و کار نیز در فرهنگ سنتی و اسلامیمان مورد توجه زیادی قرار گرفته است. بسیاری از بزرگان و پیشوایان دین اسلام در کسب و کار فعالیت داشتند و سیره و انبوه احادیث و روایات و تاکیدات مربوط به رعایت اصول اخلاقی در معامله و کسب و کار از این بزرگان خود موید این مطلب است. ایران به عنوان کشوری واقع در چهارراه تمدن جهانی، نقش موثری در تاریخ کسب و کار داشته است و به ویژه پس از اسلام، ایرانیان از طریق فعالیتهای تجاری خود و رعایت انصاف و دیگر موازین اخلاقی مورد تاکید اسلام نقش مهمی در ترویج آن در شرق دور داشته اند.

بااین حال، در دوره معاصر، رویکردها و الزامات اجرایی، نظام مند و طبقه بندی شده رعایت اصول اخلاقی در کسب و کار از مغرب زمین نشأت گرفته است و می توان اشتراکات زیادی را بین آنها و اصول و دستورات اسلامی پیدا کرد. استفاده از تجارب سازمانهای فعال در این زمینه و جستجو برای ارایه الگویی مناسب و منطبق با ویژگیهای فرهنگی کشورمان در این زمینه بسیار مطلوب به نظر می رسد.

از اقدامات جالب توجهی که کشورمان در سالهای اخیر انجام داده است، پیشنهاد برای اعطای جایزه بین المللی اخلاق در علم ابن سینا است که مورد استقبال جهانی قرار گرفت و از دو سال گذشته هرساله به کسانی اعطا می شود که در زمینه علمی شرایط لازم را احراز کنند. رویکرد اخلاقی در کسب و کار نیز می تواند دارای چنین ویژگیهایی باشد. در اینجا، ضمن اشاره به تاریخچه، اهم اهداف و الزامات این رویکرد، گنشودن بابتی جدید در این زمینه و ویژگیهای آن توصیه شده است.

مروری بر تاریخچه سرمایه گذاری اخلاقی

سرمایه گذاران مذهبی طی سالهای متمادی به ارایه چارچوبهایی اخلاقی برای سرمایه گذاری و فعالیت در عرصه کسب و کار پرداخته اند. به طور ویژه و به شیوه کلاسیک و رسمی، از سال ۱۹۲۶ در ایالات متحده آمریکا و از سال ۱۹۴۸ در بریتانیا به این موضوع توجه شده است. در دهه ۱۹۲۰، رهبران مذهبی در شمال آمریکا تصمیم به سرمایه گذاری در بازار سهام گرفتند. پیش از این، چنین سرمایه گذاری نوعی قمار تلقی می شد.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ در بریتانیا، سرمایه گذاری اخلاقی وارد مرحله ای جدی شد و گروههایی به کنکاش در زمینه گسترش

این امر به تکاپو افتادند.

چنین پدیده ای نیز در حدود سال ۱۹۷۰ در ایالات متحده آمریکا اتفاق افتاد و اولین سرمایه گذاری، سرمایه گذاری پاکس (PAX) بود که در سال ۱۹۷۱ تاسیس شد.

در سال ۱۹۸۸ در بریتانیا برای سرمایه گذاری در زمینه ابزارهای الکترونیک قابل استفاده در جنگها مباحثی مطرح شد، به طوری که در نتیجه آن در سالهای بعد و به ویژه در سال ۱۹۹۷ کمیته مرکزی سرمایه گذاری متعلق به کلیسا اصولی را برای سرمایه گذاری وضع کرد (۱۰). براساس این اصول، تنها سرمایه گذاری در آن دسته از شرکتهای سازنده وسایل دفاعی، اخلاقی محسوب می شود که نیازهای وزارت دفاع را تامین کنند و از فروش آن به گروهها و کشورهای متخاصم دوری جویند. وضعیت حقوقی و اجرایی سرمایه گذاری اخلاقی

هم اکنون، بیش از پنجاه موسسه فعال در زمینه سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق وجود دارد که اصول آن را تشریح می کنند، به راهنمایی افراد در زمینه سرمایه گذاری در موسسات و شرکتهای می پردازند و اقدامات نظارتی را انجام می دهند.

سرمایه گذاری اخلاقی بیش از آنکه یک علم باشد، یک هنر است و متکی بر خودآگاهی و تلفی فرد از اخلاق و به ویژه اصول ثابت و قابل فهم آن برای همگان است. باین حال، می توان در قالب گروهی از سرمایه گذاران یا شرکتهای سرمایه گذاری متعهد به اصول اخلاقی، مرانامه ای را تنظیم کرد یا در صورت امکان برای کسب اطمینان بیشتر، از خدمات مشاوره ای موسسات فعال در این زمینه سود جست.

با شکل گیری گرایشهای رو به رشد سرمایه گذاری اخلاقی در بین مردم جوامع صنعتی، به تدریج دولتها نیز در ادبیات سیاستگذاری و برنامه ریزی خویش به این موضوع واکنش نشان دادند. اما تعبیر دولتها از آن، بیشتر نشات گرفته از گفتمان مردمسالاری بود، به طوری که امروزه در تدوین مقررات و طرح استانداردها از آن به عنوان سرمایه گذاری پاسخگو در برابر مردم یاد می شود. این رویکرد در دولت بریتانیا از سال ۱۹۹۵ شروع شد و به تدریج در سایر کشورها گسترش یافت. کشورهایی مانند استرالیا، نیوزیلند، کانادا و افریقای جنوبی از دیگر کشورهای پیشرو در این زمینه به شمار می آیند. در بند ۳۵ مربوط به مقررات فعالیتهای حقوقی سال ۱۹۹۵ الزامی حقوقی برای سرمایه گذاران مبنی بر ارایه بیانیه ای در مورد رعایت اصول اخلاقی ایجاد می کند. بیانیه در برگیرنده انواع سرمایه گذاری و توازن بین سرمایه گذاریها، مخاطرات، عواقب و نحوه تحقق آن است. این مقررات جدید سرمایه گذاران را ملزم می کند تا دو اصل زیر را در بیانیه مدنظر داشته باشند:

گستره ای که در آن ملاحظات اجتماعی، زیست محیطی یا اخلاقی شرکت در زمینه استخدام، استمرار و تحقق سرمایه گذاری مورد توجه قرار می گیرد؛ خط مشی سیاسی مبنی بر استفاده از رویکردها و سیاستهای صحیح در سرمایه گذاری. موارد مزبور را نباید از جنبه نمایشی نگریست، بلکه در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که سرمایه گذاریها فقط براساس اصول سرمایه گذاری پاسخگو در برابر اجتماع نیست. قوانین نوین، سرمایه گذاران را وادار به مدنظر قراردادن ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی در فعالیتهای و سیاستهای مربوط می کند. ذکر این موضوع ضروری است که مقررات مزبور برای مورد ملاحظه قرارداد و صراحت در انجام امور است نه اجبار و اضطرار. در هر صورت، باید به این موضوع توجه کرد که ممکن است مفاد مزبور موجب ازدیاد تعداد سرمایه گذاریها شود که پاسخگویی در برابر اجتماع را از مهمترین راهبردهای خود تلقی کنند.

باوجود چنین گرایشهایی در سطح دولت و اجتماع، تاکنون تعریف قابل توجهی برای سرمایه گذاری پاسخگو در برابر اجتماع یا سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق ارایه نشده است. در مقررات و الزامات دولتی نیز هیچ اشاره ای به مصداقها نشده است. راسل اسپارکس (۲۰۰۱) عبارت سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق را قدیمی تر از سرمایه گذاری پاسخگو در برابر اجتماع می داند. به طور ماهوی در سرمایه گذاری اخلاقی بر اجتناب از برخی فعالیتهای مشخص تاکید می شود. سرمایه گذاری اجتماعی

در آمریکا از اصطلاح دیگری با عنوان سرمایه گذاری اجتماعی استفاده می شود که نزدیک به اصطلاحات بالا است. سرمایه گذاری اجتماعی به دو بخش تقسیم می شود: سرمایه گذاری مبتنی بر اصول اخلاقی و سرمایه گذاری برای اجتماع. سرمایه گذاری برای اجتماع در زمانی اتفاق می افتد که یک برگشت غیرطبیعی به طور ارادی برای توسعه اجتماع یا دیگر مقاصد دنبال می شود. این امر بیشتر مبتنی بر یک الگوی بانکی است تا سرمایه گذاری منصفانه و در واقع در برخی موارد با عنوان بانکداری اخلاقی خوانده می شود. الگوی بانکداری برای توسعه چنین هدفی مناسب است، به طوری که از این طریق، پس اندازکنندگان از سود سرمایه خویش استفاده می کنند. در برخی موارد در بریتانیا علایق مشترکی در زمینه سرمایه گذاری در فعالیتهای کسب و کار مشاهده می شود. از این منظر می توان به بانک تردوس اشاره کرد که به سرمایه گذاری در زمینه طرحهای اجتماعی می پردازد.

مک کینزی (۱۹۹۸) بر تفکیک بین سرمایه گذاری اجتماعی مبتنی بر بازار که هدف خود را افزایش سود ناشی از فروش و سرمایه گذاری اجتماعی مبتنی بر تعمق و سنجش دقیق که دیدگاههای بنیادین اخلاق را در نظر می گیرد، تاکید می کند. سرمایه گذاری اجتماعی مبتنی بر بازار به محصولات نهایی خود توجه دارد، در حالی که سرمایه گذاری اجتماعی مبتنی بر تعمق به آسیبهای اولیه مربوط به مواد و ملزومات اولیه و همچنین، خروجی نهایی توجه می کند. باین حال، مورد اخیر با توجه به دیدگاههای مشتریان به کسب و کار می پردازد و نمی توان آن را اخلاقی تلقی کرد.

از این رو، به دو دلیل نیازی به تفکیک صریح سرمایه گذاری اجتماعی از نوع اخلاقی آن نیست. به طور کلی سرمایه گذاری اخلاقی به عنوان یک فعالیت مبتنی بر انصاف است، به طوری که یکی از اهداف محوری آن استفاده از قدرت و نفوذ ذینفعان برای ایجاد تاثیر مثبت در رفتار شرکت است. به عبارت دیگر، سرمایه گذاری اجتماعی الزاماً یک فعالیت مبتنی بر استقراض

است. دوم آنکه، ماهیت سرمایه گذاری اجتماعی آن است که افراد پذیرای برگشت مالی پایین مربوط به آن هستند و از این طریق به یکدیگر کمک می کنند. این موضوع به طور قطعی در سرمایه گذاری اخلاقی مطرح نیست.

سرمایه گذاری سبز

باید بین سرمایه گذاری در زمینه فعالیتهای زیست محیطی مبتنی بر حداکثرکردن سود در مقایسه با تشویق برای توسعه پایدار که در اصطلاح سبز نامیده می شود، تفاوت قایل شد. سرمایه گذاری سبز یا زیست محیطی به سرمایه گذاری در زمینه ارائه کالاها، خدمات و فرایندهایی اطلاق می شود که در نتیجه آن به محیط زیست کمک می شود یا الزامات آن در نظر گرفته می شود. این نوع سرمایه گذاری ضرورتاً اخلاقی نیست. در همین زمان، بسیاری از سرمایه گذاران پاسخگو در برابر اجتماع موجود، اهداف خود را به معیارهای قدیمی تر همچون اجتناب از: آجوسازی، دخانیات و تسلیحات معطوف کردند. این معیارها از دیدگاههای مذهبی به عاریت گرفته شده بود.

تفکیک صریح تر معانی

اولین کتاب در زمینه سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق در بریتانیا توسط خانم وارد (۱۹۸۴) نوشته شد. همچون بسیاری از مفسران، وی توجه ناچیزی به تحلیل اصطلاح کرد و آن را به طور عملگرایانه چنین تعریف کرد:

مجموعه اصول و تعاریفی که به درستی در مقابل اجتماع پاسخگو است و هیچ گاه تغییر نخواهد کرد. برخی از مردم احساسی قوی در مورد دخانیات دارند، برخی از آنها در مورد تسلیحات چنین هستند و برخی دیگر در مورد ایجاد اشتغال در شهرها چنین فکر می کنند. عامل مشترک همه این موارد آن است که آنان فکر می کنند که نباید به سادگی پول خود را در اختیار دیگران بگذارند و خود در گوشه ای بنشینند». در کتاب مشابهی در آمریکا که در همین تاریخ توسط دومینی و کایندر (۱۹۸۴) نوشته شد، با تاکید بر جنبه عملی موضوع، اشاره شده است: سرمایه گذاری اخلاقی این احساس را به همراه دارد که سرمایه گذاریهای ما به عنوان دغدغه های درونی ما به شمار می آید و سه رویکرد زیر در این زمینه وجود دارد: احترازی، مثبت و فعال، در سال ۱۹۹۰ گرایگ اسمیت از سرمایه گذاری اخلاقی به صورت زیر یاد کرد:

همانند رفتار خرید اخلاقی، سرمایه گذاران اخلاقی می توانند با فروش یکباره یا نگهداری سرمایه برای ایجاد تغییر در برخی شرکتها فشار وارد کنند.

کوپر و شلگلمیلچ (۱۹۹۲) نیز به فقدان اجماع در زمینه معنی اصطلاح سرمایه گذاری اخلاقی و پژوهشهای ناچیز در موضوع مزبور اشاره کرده اند. آنها تعریف بوتون را به عنوان یک فرضیه کاری پذیرفته اند: پولت را در جایی سرمایه گذاری کن که دارای برگشت مالی مناسبی برای تو باشد، اما از مواردی از کسب و کار که مورد تایید نیست همچون: نظامیگری، دخانیات، الکل، آپارتاید و تجاوز به حقوق انسانی دوری کن .

کاتون (۱۹۹۴) تعریفی دقیقتر ارائه کرده است. وی می گوید که می توان سرمایه گذاری اخلاقی را به عنوان عملی اخلاقی و معیاری اجتماعی در چارچوبهای سرمایه گذاری تلقی کرد که تمامی بخشهای سازمان را در بر می گیرد. وی این موضوع را با تعاریف استاندارد تصمیمات که تنها بر برگشت سرمایه تاکید می ورزند، مقایسه می کند. با مترادف دانستن اصطلاحات سرمایه گذاری مبتنی بر اصول اخلاقی و سرمایه گذاری اخلاقی، وی بدین نکته اشاره می کند که سرمایه گذاران اخلاقی نه تنها به میزان برگشت مالی در آینده و مخاطرات مربوط به آن توجه می کنند، بلکه به منابع آن - ماهیت کالاها و خدمات شرکت، جایگاه کسب و کار و روشهای دستیابی به محصول - نیز توجه دارند.

تعریف کاتون از اصطلاحات مزبور فلسفی تر از دیگران است. در این دیدگاه با دید واقع بینانه ای به تضاد موجود بین هدف اساسی سرمایه گذاری که کسب سود است و اخلاق اشاره شده است. همچنین این موضوع قابل توجه است که اصول اخلاقی از منویات فردی سرچشمه می گیرد، در حالی که سود و برنامه ریزی برای آن یک امر سازمانی است و حیطة گسترده تری را در بر می گیرد. در اینجا است که اسکروتون (۱۹۹۶) اخلاقی بودن هر ادعای سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق را مردود می شمارد.

اسپارکس برای حل این مشکل بر تفکیک صریح تر سرمایه گذاری مبتنی بر اخلاق و سرمایه گذاری پاسخگو در برابر اجتماع تاکید می ورزد. از نظر وی، سرمایه گذاری اخلاقی را باید به فعالیتهایی نسبت داد که سردمداران آن مجامع مذهبی یا خیریه هستند و از طرف دیگر برای سازمانهای سودجو، اصطلاح سرمایه گذاری پاسخگو در برابر اجتماع زینده تر است.

سرمایه گذاری اخلاقی در عمل

براساس یافته های موسسه ایریس، در سالهای اخیر وضعیت سرمایه گذاری مبتنی بر اصول اخلاقی در دو حوزه زیر بهبود یافته است:

مدیران موسسات تولیدی و سرمایه گذاری به بار اخلاقی محصولات توجه می کنند و از طرف دیگر، سرمایه گذاران به موشکافی و باتوجه به معیارهای اخلاقی به سرمایه گذاری می پردازند. این رغبت دوطرفه به ایجاد اصول و فرهنگی جدید در عرصه کسب و کار و سرمایه گذاری منجر شده است. به عنوان مثال، در اوایل دهه ۱۹۶۰ فقط به میزان ۳۰ درصد از سهام بورس لندن در اختیار سرمایه گذاران رسمی بود، اما امروزه این بخش ۸۰ درصد سهام را در اختیار دارد. بدین ترتیب، بسیاری از مردم در قالب موسسات شناسنامه دار به سرمایه گذاری در بازار دست می زنند. در اصول اخلاقی حاکم بر سرمایه گذاریهای مذکور به سه رویکرد اساسی توجه شده است. اولین رویکرد، رویکرد اجتناب است که در آن از سرمایه گذاری و فعالیت در زمینه های مخربی همچون: تسلیحات، نوشابه های الکلی، فعالیتهای مخرب زیست محیطی، قمار، فعالیتهای منافعی عفت احتراز می شود. در رویکرد دوم که رویکرد مثبت نامیده می شود، افراد به سرمایه گذاری در اموری می پردازند

که به توسعه رفتارهای اخلاقی، بهبود وضعیت معیشتی فقرا، بهبود وضعیت محیط زیست و حل مشکلات مربوط به جوامع منجر خواهد شد. سومین رویکرد، تعاملی است که در آن، سرمایه‌گذاران با تبادل نظر با مدیران شرکتها به توافق در زمینه موضوعهای سرمایه‌گذاری می‌پردازند. این رویکرد دارای ویژگی عدم جانبداری کامل یا تحریم قطعی است و در عمل از شفافیت بیشتری برخوردار است.

فارغ از نوع تعابیر و رویکردهای فلسفی برخورد با سرمایه‌گذاری مبتنی بر اخلاق در کسب و کار، برخی از زمینه‌ها همچون بهداشت و ایمنی از قابلیت بالایی برای جلب نظر مردم به ویژه در کشورهای در حال توسعه برخوردار بوده است. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی در آوریل سال ۲۰۰۲، گرایش مردم به این حوزه فراتر از هر زمینه دیگری بوده است و امید است بتوان از این طریق تا سال ۲۰۱۰ سالانه حدود هشت میلیون نفر را در کشورهای مزبور از خطر مرگ حتمی نجات داد. براساس این گزارش، اغلب سرمایه‌گذاران در ارتباط با برنامه‌های مربوط به مهار بیماری‌ها و واگیردار و بهبود وضعیت تغذیه بوده است. در حالی که بیش از نود درصد پژوهش‌های پزشکی در زمینه مشکلات مربوط به کمتر از ده درصد جمعیت دنیا انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری در این زمینه در کشورهای با درآمد پایین تر از مقبولیت اخلاقی بالایی برخوردار است.

اطلاع‌رسانی در زمینه میزان اخلاقی بودن فعالیتهای شرکتها تاثیر قابل توجهی در شکل‌گیری گرایش مردم داشته است. هم‌اکنون موسسات دولتی و غیردولتی بسیاری در کشورهای صنعتی با تاکید بر ارزش محوری و سعادت‌آفرینی فعالیتهای اقتصادی، استانداردهایی را برای رفتار سازمانها و عمومی کردن بهترین اعمال اخلاقی در این زمینه ارائه می‌کنند.

سیاستگذاری شفاف موسسات سرمایه‌گذاری متکی بر اصول اخلاقی و توجه آنان به مقولات اشاره شده در بیانیه مأموریت و رسالت خویش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براساس برآوردی که در بریتانیا صورت گرفته است، حداقل ۵۷ درصد از موسسات مزبور تنها به ذکر سیاستهای خویش اکتفا می‌کنند و در عمل از آن بهره‌نمی‌گیرند (ویلیام باو، ۲۰۰۳). براین اساس، تنها ۲۵ درصد از موسسات سرمایه‌گذاری مزبور به نظرات و تحلیل‌های سهامداران توجه می‌کنند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که بسیاری از موسسات خیریه و بااهداف نیکوکارانه به دلیل ترس بی‌اساس از سود کم، از سیاستهای اصولی و شفاف پیروی نمی‌کنند.

یکی از عوامل تاثیرگذار در عدول از اصول اخلاقی در کسب و کارهای متکی بر اخلاق ملاحظات و سیاستهای مقطعی مدیران است که در تصمیمات خود رفته رفته دچار تزلزل و انحطاط می‌شوند.

نتیجه‌گیری

آنچه در ابتدا می‌توان به سهولت نتیجه‌گیری کرد، آن است که سرمایه‌گذاری مبتنی بر اخلاق رفته رفته به الزامی برای افراد و سازمانها در عرصه کسب و کار در حال مطرح شدن است و می‌تواند محیط سازمانها را از نگرشهای مطلق فنی به سمت انسانی تر کردن و قابل پذیرش اخلاقی کردن سوق دهد. به طور کلی می‌توان گفت که سیاستها و دیدگاههای سرمایه‌گذاران و سازمانها براساس اصول اخلاقی، زیست محیطی و اجتماعی مورد ارزیابی عموم یا نهادهای شناخته شده در این زمینه قرار می‌گیرند. در این زمینه، برخی خود را محدود به احتراز از برخی سرمایه‌گذاریهای مخرب می‌کنند و برخی دیگر، گرایش به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های سودمند می‌کنند. براین اساس، معیارهایی برای ارزیابی وضع شده است که بهبود مستمر عملکرد اخلاقی را مورد توجه قرار داده است. آنچه در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اولاً تجارب مفیدی است که در برخی از کشورها حاصل شده است و ثانیاً نوع نگرش و نگاه ویژه‌ای است که بستگی به فرهنگ، اصول و هنجارهای جامعه‌ای دارد که کسب و کار در آن جریان می‌یابد.

می‌توان نسبت به این امر امیدوار بود که بین کسب و کار و فطرت اخلاق مدار انسانها آشتی برقرار گردد. در حال حاضر که بسیاری از سازمانهای دنیا و از جمله سازمانهای کشورمان به دنبال استقرار اصول و فلسفه مدیریت کیفیت فراگیر هستند، این موضوع به طور ویژه قابل تلفیق با آن اصول است؛ زیرا به نوعی بر اهمیت مشتریان و رفع تراحات فردی و اجتماعی ناشی از مصرف کالاها و خدمات تاکید می‌ورزد. وجود سازوکاری مطمئن و موثق در این زمینه، خیال مشتریان کسب و کارها را از نبود آسیبهای مادی و معنوی آسوده خواهد کرد.

باتوجه به ویژگیهای جالب توجه رویکرد سرمایه‌گذاری اخلاقی، متأسفانه تاکنون در کشورمان ادبیات مدیریتی مشخصی در این زمینه شکل نگرفته است. البته در زمینه اخلاق فردی و به ویژه اخلاق مدیران در سازمانها فعالیتهای علمی و پژوهشی زیادی صورت گرفته است، اما این امر به الزاماتی برای ارزیابی سازمانها و گرایشهای آنها منجر نشده است. باتوجه به افزایش مشارکت مردم در امور مختلف زنجیره‌های کسب و کار، ارائه الگویی برای تبیین اصول اخلاقی و ارزیابی براساس آن بسیار ضروری است. در این زمینه می‌توان به منابعی همچون: متون مذهبی، عرف و اصول علمی و فنی و استانداردهای مربوطه استناد کرد. تجربیاتی که در کشورهای غربی و به ویژه از منظر دینی حاصل شده است، به دلیل قرابت آیین مسیحیت بااسلام قابل استناد و بهره‌گیری است. البته، می‌توان از طریق تعمق و یادگیری در این عرصه به آرایه‌های مستقل و منحصر به فرد اقدام کرد.

هم‌اکنون درباره رویکردها و گرایشهای عمده مطرح شده در زمینه رعایت اصول اخلاقی در کسب و کار، می‌توان به برخورداری دو رویکرد دینی و سرمایه‌گذاری سبز از جایگاهی ارزنده و قابل توجه اشاره کرد. به نظر می‌رسد که دین اسلام با انبوه توصیه‌های عملی در زمینه رعایت اصول اخلاقی در بین دیگر ادیان از جایگاه ممتازی برخوردار است و از این نظر، مسلمانان دارای پشتوانه‌ای قوی هستند. در اسلام بر مسئولیت تک تک افراد اجتماع در قبال یکدیگر تاکید شده و همگان مسئول و در عین حال پاسخگو قلمداد شده‌اند که این موضوع در برگزیده بسیاری از توصیه‌ها و الزاماتی است که تحت عنوان سرمایه

گذاری اجتماعی مطرح شده است. اسلام بر اخلاق از درجه مسئولیت تک تک افراد جامعه و تعامل آنان با یکدیگر می نگرد و در شرایط کنونی که در سازمانها به نیروی انسانی به عنوان مهمترین عامل موفقیت سازمان نگریسته می شود، ترویج این اصول و بهره گیری از آنها در ارزیابی سلامت سازمانها امکان پذیر است.

هم اکنون در شرایطی قرار داریم که رفته رفته فناوری در کشور در حال نهادینه شدن است و طبیعی است که عدم توجه به معیارهای اخلاقی و تاکید مطلق بر فناوری و دستاوردهای رفاهی و اقتصادی مربوط به آن، مردم کشورمان را دچار نوعی از خود بیگانگی و فاصله گرفتن از فرهنگ اخلاق مدار ملی و مذهبی مان خواهد کرد. ارایه درکی درست از ویژگیهای کسب و کار و آگاهی دادن مردم از نتایج رویکردهای غیراخلاقی برخی کسب و کارها یا تبعات فعالیتها آنها، رسالتی است که بر دوش تک تک صاحبانظران و به ویژه زعمای دینی است.

از طرف دیگر، رشد فزاینده صنایع آلوده و مخرب محیط زیست، اندیشیدن راهکارهای عملی را برای رفع مزاحمتهای ناشی از کسب و کار مبتنی بر فناوری نوین ضروری کرده است. این در حالی است که دین اسلام، توصیه های قابل توجهی را به مسلمانان درباره حفاظت از محیط زیست کرده است و آنان را به حفاظت و پاسداشت از آن دعوت کرده است. اصول مورد تاکید اسلام در زمینه کسب و کار، علاوه بر برخورداری از جنبه عقلانی از جنبه شهودی نیز قابل توجه است و اینجاست که از جامعیت بیشتری نسبت به اصول غربی برخوردار است. از نمونه های این امر می توان به توصیه های اسلام در زمینه اقتصاد بدون ربا اشاره کرد که در سالهای اخیر، حتی بسیاری از کشورهای غربی نیز استقبال زیادی از آن کرده اند و منافع و اثرات مثبت اقتصادی قابل توجهی را در بر داشته است.

در تهیه منشور اخلاقی برای کسب و کار در کشورمان می توان به هر دو مورد مذکور استناد کرد و از نظرات و اصول کارشناسی مربوط به آنها بهره جست. حتی می توان این موضوع را در ارزیابی تعالی و میزان توسعه یافتگی سازمانها مورد توجه قرار داد و به ویژه با دیدگاههای مدیریت کیفیت فراگیر در زمینه توجه به مشتریان و نیروی انسانی و رعایت الزامات مربوط به آنان تلفیق کرد. کنکاش در این زمینه و ارایه الگویی عملی برای این امر، مباحث ویژه ای را می طلبد و بهتر است از طریق فراخوان یا برگزاری نشستهای ویژه بدان پرداخت.

برگرفته از سایت : آفتاب